

دکتر علی اصغر احمدی
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

کارکردهای خانواده

سیراب بودن را نیز با ضدش، یعنی تشنگی تشخیص می‌دهیم. به همین ترتیب ارزش خانواده را با تصور فقدان آن می‌توانیم بشناسیم. یعنی تصور فقدان خانواده برای شناخت ارزش، جایگاه و اهمیت آن ضروری است.

ما همین مطلب را به شکل دیگری نیز می‌توانیم مطرح کنیم؛ و آن این که بپرسیم: خانواده چه کارکردهایی دارد؟ به راستی مقصود از کارکرد چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید بگوییم که: «کارکرد یعنی مجموعه آثار، نتایج و پیامدهای یک چیز». یعنی وقتی راجع به کارکرد چیزی صحبت می‌کنیم، مقصود ما آثار و نتایجی است که از آن چیز باقی می‌ماند. به عبارت دیگر، وجود هر چیز، پیامدهایی دارد، که گاه به این پیامدها کارکرد گفته می‌شود.

مراد از کارکردهای خانواده، نتایج و آثاری است که از خانواده، بر جای می‌ماند؛ نتایجی که در صورت حذف خانواده، جبران آن به راحتی امکان‌پذیر نیست، یا نتایجی که از طریق نهاد خانواده، بتوان ساده‌تر، مؤثرتر و ماندگارتر به آن دست یافت.

آیا تاکنون از خود پرسیده‌ایم که خانواده چه نقش یا نقش‌هایی ایفا می‌کند؟ به عبارت دیگر، اگر فرض کنیم که خانواده وجود نداشت، در چنین صورتی جامعه بشری چه وضعیتی پیدا می‌کرد؟ شاید بگوییم که چنین فرضی به سادگی قابل تحقق نیست و خانواده هرگز از جامعه بشری رخت نخواهد بست. اگر این مطلب درست باشد، یعنی فرض حذف خانواده از جامعه بشری به سادگی قابل تحقق نباشد و خانواده پیوسته به وجود خود استمرار ببخشد، با این حال برای شناخت خانواده، داشتن چنین فرضی ضروری است. می‌دانیم که ارزش بسیاری چیزها بعد از فقدان آن‌ها شناخته می‌شود. برای مثال، صحت و امنیت، زمانی شناخته می‌شوند که از دست بروند. یا فراتر از این، بسیاری از اشیا به وسیله اصدادشان شناخته می‌شوند. ضد یک چیز معرف خود آن چیز است. ما سیر بودن را از طریق گرسنگی می‌شناسیم،

برای روشن شدن بحث، لازم است مفهوم کارکرد را از مناظر گوناگون مورد بررسی قرار دهیم. کارکرد هر چیز، از سه منظر قابل بررسی است.

۱- **کارکردهای وضعی یا برابندی:** مقصود از برابندی، اثر وضعی یک چیز است. هر چیزی به محض به وجود آمدن، آثار و نتایجی از خود بر جای می‌گذارد. یک گل وقتی که وجود دارد، طراوت، شادابی، خوشبویی و آثاری از این دست را از خود بر جای می‌گذارد. در حالی که یک آلودگی به محض پدید آمدن، با خود تنیدگی، ناراحتی، زشتی و بیماری را به ارمغان می‌آورد. به بیان دیگر، لازم نیست که آن گل، کار خاصی انجام دهد تا شادابی و طراوت را با خود به محیط بیاورد؛ و نیز نیازی نیست که آن آلودگی برای ایجاد تنیدگی و ناراحتی، به اقدام خاصی مبادرت کند، نفس حضور آن‌ها چنین اثری را از خود بر جای می‌گذارد.

در مورد خانواده، مقصود از کارکردهای ناشی از برابندی، کلیه نتایجی است که به محض تشکیل خانواده، حاصل می‌شود. تشکیل گروه جدید، رفع نیازهای فیزیولوژیک و روان‌شناختی به شیوه‌ای متفاوت و بنیادی، برانگیختگی انگیزشی زوجین در حیطه‌های نو (از قبیل انگیزش‌های اجتماعی، انگیزش برای فرزندداری و فرزندپروری، انگیزش برای فعالیت‌های بیش‌تر اقتصادی و...)، حفاظت و حراست بیش‌تر و بهتر از دین و فرهنگ و... همگی از آثار وضعی یا برابندی تشکیل خانواده است.

به کارکردهای برابندی، کارکردهای وضعی نیز می‌توان گفت. در این عبارت می‌توان گفت که اثر وضعی خانواده به شرحی است که در بالا به آن اشاره شد.

از آثار وضعی تشکیل خانواده می‌توان به رابطه تاهل با سلامت روان اشاره کرد. بسیاری از تحقیقات همه‌گیری شناختی نشان می‌دهند که افراد متأهل نسبت به افراد مجرد و نسبت به افراد طلاق گرفته و جدا شده، از سلامت روانی بیش‌تری برخوردارند. برای مثال، در یک مطالعه همه‌گیری شناختی که در سال ۱۳۸۰، در استان اصفهان انجام گرفته است، مشخص شده است که ۱۷/۹۲ درصد افراد مجرد، مبتلا به اختلالات روانی‌اند؛ در حالی که ۱۶/۷۸ درصد افراد متأهل، مبتلا به این اختلالات می‌باشند. در عین حال افراد طلاق گرفته یا جدا شده با رقم ۴۷/۶۷ درصد، سهم بالایی را در میان

مراد از کارکردهای خانواده، نتایج و آثاری است که از خانواده، بر جای می‌ماند؛ نتایجی که در صورت حذف خانواده، جبران آن به راحتی امکان‌پذیر نیست.

مبتلایان به این اختلالات، به خود اختصاص داده‌اند. میزان شیوع بیماری‌های روانی در بین افرادی که همسر خود را در اثر مرگ از دست داده‌اند نیز بالاست. ۲۷/۵۷ درصد این گروه از افراد نیز، حداقل به یکی از بیماری‌های شناخته شده روانی مبتلا شده‌اند. این تحقیق در مجموع نشان داد که از نظر تاهل و مجرد، افراد متأهل نسبت به سایر گروه‌های ذی‌ربط، از سلامت روانی بیش‌تری برخوردارند. (محمدی و همکاران، ۱۳۸۲)

تحقیقات گوناگون نشان می‌دهند که افراد متأهل در مجموع خوشبخت‌تر و راضی‌تر از افراد مجرد و مطلقه و بدون همسرند. سلامت جسمی و روانی افراد متأهل بیش‌تر است و عموماً عمر طولانی‌تر و وضعیت اقتصادی بهتری دارند. (پاپالیا و آلدز، ۱۹۹۵، به نقل از لطف‌آبادی، ۱۳۷۹)

۲- **کارکردهای وظیفه‌ای یا مستمر:** مقصود از وظیفه، نتایج و پیامدهایی است که انتظار می‌رود یک فرد یا گروه انسانی آن را به انجام برسانند. وظیفه، یک تکلیف و مسئولیت است که می‌تواند مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گیرد. کارکردهای وظیفه‌ای خانواده، شامل کلیه باید‌ها و نیاید‌هایی است که اعضای خانواده، به ویژه زوجین، موظف به انجام و رعایت آن‌اند. وظایف اخلاقی، اجتماعی، دینی، بهداشتی، مدنی و... از جمله این کارکردها محسوب می‌شوند.

کارکردهای وظیفه‌ای، جنبه استمراری دارند. این کارکردها می‌باید به شکل مستمر به انجام برسند. یعنی در صورت غفلت از آن‌ها، در سایر کارکردهای خانواده نیز اختلال به وجود می‌آید. برای مثال، در بسیاری موارد، در جامعه ایرانی، تمایل شوهر برای ازدواج مجدد، ناشی از

بسیاری از تحقیقات
همه‌گیری‌شناختی نشان
می‌دهند که افراد متأهل نسبت
به افراد مجرد و نسبت به افراد
طلاق گرفته و جدا شده، از
سلامت روانی بیش‌تری
برخوردارند.



مجدد شوهرانشان اعلام کرده‌اند.

در سؤالی دیگر، بیش‌ترین فراوانی پاسخ‌های زنان اول
درباره مشکلات خود، مربوط به نداشتن هنر در عرصه
زندگی، عدم مدیریت خانواده، نداشتن فرزند، نق زدن و
داشتن اختلاف سن زیاد با شوهر، بوده است. (رمضانی،
۱۳۸۳)

این داده‌ها در حد خود نشانگر این است که وجود انواعی
از اختلال در کارکردهای وظیفه‌ای خانواده، از قبیل عدم
رعایت بهداشت فردی و روانی، ناتوانی در اداره خانواده،
نداشتن هنر زندگی و امثال آن، موجب اتخاذ نوعی روش
جبرانی شده است که آن روش به نوبه خود مشکلات
جدیدی به عرصه زندگی وارد کرده است. ازدواج مجدد در
چنین شرایطی، یک روش جبرانی برای کاستی‌های موجود
در خانواده است. این روش جبرانی در جای خود مشکلات
جدیدی به منظومه خانوادگی اضافه می‌کند. در این زمینه،
تحقیق فوق نشان داده است که:

«۷۰ درصد مردان از ازدواج مجدد خود پشیمان بوده، ۴۰
درصد آنان نیز معتادند.

نزدیک به ۵۵ درصد پسران و ۴۸ درصد دختران بالای ۱۸
سال در خانواده‌های چند همسره، تحصیلاتی در حد ابتدایی
و کم‌تر داشتند و تنها ۳ درصد پسران و دختران بالای ۱۸ سال،
تحصیلات دیپلم و بالاتر داشتند و بقیه در حد راهنمایی و
متوسطه بودند.» (رمضانی، ۱۳۸۳)

تحقیق بالا نشان می‌دهد که ازدواج مجدد یک راه‌گریز و

بدکارکردی خانواده است.

در تحقیقی که آقای رضانی، در شهرستان فردوس، از
توابع استان خراسان جنوبی، بر روی خانواده ۵۰ مرد که
ازدواج مجدد داشته‌اند، انجام داده، نتایج زیر را گزارش کرده
است:

«۴۴ درصد مردان، هوسرانی و پولداری؛ ۳۲ درصد
ورشکستگی و ۲۴ درصد ازدواج تحمیلی اول را دلیل ازدواج
دوم اعلام کرده‌اند.

۵۰ درصد زنان اول عدم مدیریت خود و ناتوانی در
وظایف همسری و ۲۰ درصد عقیم بودن خود و ۳۰ درصد
عدم رعایت بهداشت فردی و روانی خود را علت ازدواج

بدکارکردی خانواده در زمینه

اخلاقی، می‌تواند بر روی
کارکردهای تربیتی، روانی،
اجتماعی و حتی زیستی و
بهداشتی تأثیر سوء داشته
باشد.

وظیفه خانواده در شرایط بحرانی، اعم از جنگ، حوادث غیرمترقبه، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، وجود بیماری‌ها و حوادث خاص، از قبیل بیماری‌های مزمن، آسیب‌های جدی ناشی از حوادث رانندگی، عقب‌ماندگی‌های ذهنی، کودکان استثنایی، مرگ عزیزان و... از جمله کارکردهای مأموریتی خانواده به شمار می‌آیند.

شرایط اعضای خانواده در کنار یک دیگر می‌توانند تا حد زیادی مشکلات هم را برطرف کنند.

برای انجام کارکردهای مأموریتی احتیاج به آموزش وجود دارد. هر چند که انجام سایر کارکردهای خانواده نیز احتیاج به آموزش دارند، لیکن به دلیل غیرمستمر بودن کارکردهای مأموریتی، اغلب نسبت به آن‌ها غفلت می‌شود. خانواده در شرایط عادی، فراموش می‌کند که ممکن است حوادثی پیش بیاید که در آن، احتیاج به انجام کارهایی خاص وجود دارد. همین غفلت موجب می‌شود بسیاری از خانواده‌ها برای شرایط خاص آمادگی کافی نداشته باشند. این غفلت، خود عامل مهمی است که آموزش و تذکر مکرر کارکردهای مأموریتی خانواده را ضروری می‌سازد. نهادهای اجتماعی، از قبیل وزارت آموزش و پرورش، سازمان صدا و سیما، روحانیان و ائمه جمعه و جماعات، نهادهای بهداشتی و بهزیستی جامعه و سایر نهادهای ذی‌ربط می‌باید پیش از وقوع حوادث غیرمترقبه، نسبت به یادآوری آن‌ها و نیز وظیفه‌ای که خانواده‌ها در این زمینه دارند، آموزش‌های لازم را ارائه کنند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- EPIDEMIOLOGICAL RESEARCHES
- 2- PAPALIA, D.E. AND OLDS, S.W.
- 3- DISFUNCTIONING

منابع:

- رضائی، عباسعلی: علت‌های ازدواج مجدد مردان متأهل و پیامدهای آن، گزارش کمیته امداد امام خمینی (ره) شاخه فرودس، خراسان جنوبی، ۱۳۸۳.
- لطف آبادی، حسین: روان‌شناسی رشد، جلد دوم، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۹.
- محمدی و همکاران: شیوع اختلالات روان‌پزشکی در استان اصفهان، دو فصل‌نامه تحقیقات علوم رفتاری، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی استان اصفهان، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

راه حل ناکارآمد و مشکل ساز برای برخی از مسائل و مشکلات خانوادگی است. به عبارت دیگر، در چنین شرایطی، ازدواج مجدد تبدیل شده است به روشی ناکارآمد، برای خانواده‌های ناکارآمد.

بدکارکردی خانواده در زمینه‌های دیگر نیز مشکلاتی به بار خواهد آورد. بدکارکردی خانواده در زمینه مسائل بهداشتی و بهزیستی می‌تواند بر روی کارکردهای تربیتی و روانی اثر منفی بگذارد. بدکارکردی خانواده در زمینه اخلاقی، می‌تواند بر روی کارکردهای تربیتی، روانی، اجتماعی و حتی زیستی و بهداشتی تأثیر سوء داشته باشد.

۳- کارکردهای مأموریتی یا بحرانی: مأموریت،

وظیفه‌ای است خاص که در شرایط ویژه بر عهده فرد یا یک گروه انسانی نهاده می‌شود. وظیفه خانواده در شرایط بحرانی، اعم از جنگ، حوادث غیرمترقبه، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، وجود بیماری‌ها و حوادث خاص، از قبیل بیماری‌های مزمن، آسیب‌های جدی ناشی از حوادث رانندگی، عقب‌ماندگی‌های ذهنی، کودکان استثنایی، مرگ عزیزان و... از جمله کارکردهای مأموریتی خانواده به شمار می‌آیند.

خانواده در چنین شرایطی، مأموریت‌هایی پیدا می‌کند که در شرایط عادی نیازی به انجام آن مأموریت‌ها وجود ندارد. به هنگام بروز شرایط ویژه و استثنایی، خانواده نقش‌هایی را پیدا می‌کند که باید از عهده انجام آن نقش‌ها به خوبی برآید. نقش‌هایی که خانواده در چنین شرایطی بر عهده می‌گیرد، به شکل عادی از عهده سایر نهادهای اجتماعی به راحتی بر نمی‌آید. به هنگام وقوع حوادث طبیعی، از قبیل سیل، زلزله، خشکسالی و امثال آن، نهادهای کمک‌کننده مدنی تنها بخشی از مشکل مردم را می‌توانند بر طرف نمایند. در این